

بررسی فرم‌شناختی ژانرهای شعری ادبیات عاشیقی در عصر صفوی و قاجار

جواد حاجی حاتملو^۱، شهریار حسن‌زاده^{۲*}، سید محمودرضا غیبی^۳ و ژیلا صراطی^۴

چکیده

شعر عاشیق‌های آذربایجان از ناب‌ترین آفرینش‌های ادبی و هنری و از ژانرهای مختلف فولکلور آذربایجان است که به واسطه ذوق هنری مردم و توانمندی کم‌نظیر زبان ترکی از لحاظ ایده، مضمون، شکل و فرم جایگاه منحصر به فردی را در ادبیات شفاهی داراست و با شاخ و برگ عنصر فرهنگی خود در زبان عاشیق‌ها جذابیت خاصی خلق می‌کند، شعر شفاهی ادبیات عاشیقی در عصر صفوی با ظهور عاشیق قربانی شروع می‌شود که با زبان حماسی خود افق جدیدی در ادبیات شفاهی ادبیات عاشیقی می‌گشاید، به تبع آن شاعران، عاشیق‌ها و نقالان قالب‌های مختلف شعری را با توجه به موقعیت سیاسی، اجتماعی و فرهنگی جامعه، شکل‌های متفاوتی به وجود می‌آورند که حائز اهمیت فراوان در ادبیات عامیانه دنیاست. این مقاله نیز تلاش نموده است تا شعر عاشیقی را از عصر صفوی تا قاجار از منظر فرم‌شناسی مورد بررسی قرار دهد و با این هدف به این سؤال پاسخ دهد که هنر عاشیق‌های آذربایجان در ژانرهای مختلف در صورت بندی و فرم‌شناختی چگونه است.

کلید واژه‌ها: شعر شفاهی، شعر عاشیقی، ژانرهای شعری، صفوی و قاجار.

^۱ - دانشجوی دکتری گروه زبان و ادبیات فارسی، واحد شبستر، دانشگاه آزاد اسلامی، شبستر، ایران.

^۲ - استادیار گروه زبان و ادبیات فارسی، واحد خوی، دانشگاه آزاد اسلامی، خوی، ایران. (نویسنده مسئول)

sha_hasanzadeh@yahoo.com

^۳ - استادیار گروه زبان و ادبیات فارسی، واحد مرند، دانشگاه آزاد اسلامی، مرند، ایران.

^۴ - استادیار گروه زبان و ادبیات فارسی، واحد شبستر، دانشگاه آزاد اسلامی، شبستر، ایران.

مقدمه

«شعر شفاهی^۱ منظور روایت‌هایی است که گویندگان حرفه‌ای بر اساس دانسته‌های ذهنی خود و ذوق هنری با سبک و سیاق خود به تناسب زمان و مکان فی‌المجلس می‌گفته‌اند. در واقع «شعر عاشیقی شاخه‌ای از شعر شفاهی است که برخوردار از تنوع موضوعی فراوان، و براساس اوزان هجایی که با زبان ترکی تناسب و هماهنگی دارد، سروده شده است. جان مایه شعر عاشیقی، مسائل دینی و موضوعات عرفانی و انسانی، زندگی و شرایط حاکم بر آن، خانواده و نقش آن، پدرسالاری، همسرگزینی، شکایت از زخم عشق، غربت و غم هجران، و سکونت اجباری و مسائل اجتماعی بوده است. عاشیق دوست مردم است، مردم را به زندگی روزمره دعوت می‌کند، با زبان ساز به اندرز مردم ناآگاه می‌پردازد، و تجربه‌های عینی و جهان‌بینی خود را به صورت شعری برای مردم می‌خواند.» (ویشلقی، ۱۳۸۶: ۱۶۱-۱۵۸)

تمامی انواع شعر عاشیقی بطور عمومی «قوشما^۲» نامیده می‌شود. این نامگذاری در کتاب سترگ محمود کاشغری، دیوان لغات ترکی آمده و قید شده است که قوشما از کنار هم قرار گرفتن سخنانی همگن بوجود می‌آید. امیرعلیشیر نوایی در کتاب «میزان الاوزان» آن را «ماهنی»^۳ و «کوشوک»^۴ می‌نامد.

امروزه نیز به طور عمومی شعر عاشیقی، در ازبکستان «کوشوک»، در ترکیه «کوشما»^۵، در آذربایجان «قوشما» و در ترکمنستان «قوشقی»^۶ نامیده می‌شود.

بایاتی، تورکو، وارساگی و گرایلی نمونه‌های ساده شعر شفاهی هستند. فرم‌های شکلی گرایلی، قوشما و بایاتی شباهت‌های زیادی با هم دیگر داشته و به جهت تعداد هجاها از همدیگر متمایز می‌شوند: قوشما ۱۱، گرایلی ۸ و بایاتی ۷ هجا دارد.

^۱ Oral Poetry

^۲ . Qoşma

^۳ . Mahni

^۴ . Koşuk

^۵ . Koşma

^۶ . Qoşqi

در این فرم‌ها در هر بند چهار مصرعی، هر کدام از مصرع‌ها، کارکرد و همچنین نام مخصوص خود را دارد: مصرع اول «املاء»، مصرع دوم «انشاء»، مصرع سوم که مضمون اصلی شعر را بیان می‌کند، «معلوم» و مصرع پایانی «مخرج» نامیده می‌شود. (Məmmədov, 2011: 64) کار پری و لرد این است که شعر بداهه کلامی در مقابل شعری که بدون استفاده از نوشتار سروده شده، اما بعداً حفظ شده و در مطالعات شعر شفاهی، نظریه تأثیرگذار «فرمول شفاهی»^۱ که توسط میلمن پری ایجاد شد، هم به این دلیل که به ورود شعر شفاهی به حوزه مطالعات ادبی دانشگاهی کمک کرد و هم به این دلیل که راه‌های ارتباط شکل شعر و شفاهی را با یکدیگر روشن می‌کرد. و آلبرت لرد طی این نظریه نشان داد که چگونه عبارات آماده و قالبی می‌توانند شاعران را قادر به بداهه‌سرایی شعر کنند. (Rubin, 1995: 68) تمامی آثار ادبی اولیه بر مبنای سخن شفاهی بوده و سنت شعر شفاهی بر مبنای چهار عنصر اصلی ۱. سخن ۲. گوینده ۳. موسیقی ۴. شنونده یا مخاطب تشکیل شده است. محققان حوزه سنت شفاهی به موازات پژوهش‌ها و مطالعاتی در جهت شناختن و شناساندن بوطیقای ویژه آثار خلق شده در سنت شفاهی، به ناتوانی ابزارهای نقد و دیدگاه‌های معطوف به کتابت در خوانش این آثار صحنه گذاشتند. به بیان دیگر، سنجدین یک اثر متعلق به سنت شفاهی با معیارهای ادبیات مکتوب را نادرست دانسته، در پی بازسازی بافت شفاهی اثر و انتصاب دوباره آن در بافت نخستین برآمدند. منظور از بافت نخستین در مطالعه یک اثر متعلق به سنت شفاهی علاوه بر رویدادهای تاریخی و اجتماعی عصر، طرز ارائه، اجرا یا نقل آن، نقال یا اجرای کننده آن و مخاطبان اجرا را نیز شامل می‌شود. علاوه بر تمام این عناصر، رابطه این اثر با آثار دیگر موجود در همان سنت شفاهی دیگر منبع بسیار مهمی است که از نظر محققین در بازسازی بافت از دست رفته اثر راهگشا خواهد بود. (ر.ک. کارنوی و اکبرپوران، ۱۳۹۵: ۶۸-۶۷) شعر عاشیقی بر اساس نظریه شعر شفاهی می‌تواند بصورت دقیق‌تری مورد بررسی و واکاوی قرار بگیرد. مقاله حاضر بر همین اساس تلاش می‌کند نمونه‌هایی از اشعار برجای مانده از عاشیق‌های خلاق دوره‌های صفویه و قاجاریه را مطالعه نماید.

¹ Oral Formulaic Theory

روش شناسی پژوهش

در این پژوهش فرم شناسی ادبیات عاشیقی آذربایجان به شیوه اسنادی و تحلیل محتوای کیفی مطالعه شده و فرم‌ها و ژانرهای ادبیات عاشیقی در دوره صفوی و قاجار مورد بررسی قرار گرفته است، فرم‌های ادبیات عاشیقی را با استفاده از تکنیک‌های روش کیفی، از جمله فیش‌برداری نظری و کشف و استنباط به دقت موشکافانه، مطالعه فرم‌ها و انواع شعرهای و عناصر تشکیل دهنده آنها در بستر هنر عاشیقی بررسی شده است.

پیشینه پژوهش

در حوزه مطالعات شعر عاشیقی مقالات کمی به زبان فارسی منتشر شده است از آن جمله می‌توان به مقاله حمید سفیدگر شهانقی با عنوان «نگاهی به ادبیات عاشیق‌های آذربایجان» (۱۳۸۲)؛ مقاله جمیل ویشلقی با عنوان «بررسی انواع شکل (فرم) اشعار عاشیق‌های آذربایجان» (۱۳۸۶) و مقاله «صدای ساز تو ابری شد و به گریه نشست» (۱۳۷۶) که توسط امین صدیقی نوشته شده، اشاره کرد. نویسندگان این مقالات ضمن فرم‌بندی شعر عاشیقی، نمونه‌هایی از این اشعار را ارائه نموده‌اند.

در جمهوری آذربایجان محرم قاسیملی و محمود آلاهمانلی کتابی با عنوان «قالب‌ها و ژانرهای شعر عاشیقی» (۲۰۱۸) منتشر نموده‌اند و همچنین رضا خلیل‌اوف و محمود آلاهمانلی کتاب «مراحل شکوفایی خلاقیت ادبی عاشیق‌ها» (۲۰۱۳) و تارویئل محمدآوف نیز کتاب «خلاقیت ادبی عاشیق‌ها» (۲۰۱۱) منتشر کرده‌اند.

خصوصیات شعری ادبیات عاشیقی در دوره صفویه و قاجار

در دوره صفوی با آغاز سلطنت شاه اسماعیل و رسمی شدن مذهب تشیع، مضامین اشعار عاشیق رنگ و بوی دینی به خود گرفته و غالباً از اشعار مدحی نسبت به امامان به خصوص حضرت علی^(ع) استفاده شده است. با ظهور عاشیق قربانی و شروع جنگ‌ها برای رحیه دادن به جنگجویان اشعار حماسی زیادی سروده می‌شود.

اشعار حروفی با اقتباس از شاعر بزرگ آن دوره «نسیمی» مرسوم گردید، هم چنین داستان‌های حماسی بسیاری سروده شده که می‌توان از «شاه اسماعیل و عرب زنگی»، «شاه اسماعیل و گولگز» و «کوراوغلو» نام برد.

از عاشیق‌های معروف این دوره، می‌توان از عاشیق قربانی، عاشیق عباس توفارقانلی، ساری عاشیق، عاشیق عالی، عاشیق واله، عاشیق علعسکر و خسته قاسیم نام برد. در دوره قاجار علاوه بر توصیف تصاویر زیبای طبیعت، حوادث عینی زمانه، پند و اندرزها به اشعار استادنامه، هجویات و طنزهای فراوان برمی‌خوریم.

از میان عاشیق‌های این دوره از عاشیق محمود، عاشیق محمدباغبان، عاشیق عزیز، عاشیق آیدین، عاشیق احمد، عاشیق چوپان افغان را می‌توان نام برد که در سروده‌های خود علیه تسلط تزار بر آذربایجان و غارت خان‌ها و فئودال‌های محلی به پا می‌خواستند و از حقوق دهقانان دفاع می‌کردند. در این دوره، استادنامه، نیشمه، مناظره، منظومه و تجنیس‌ها بسیار معمول بود. از معروف‌ترین عاشیق‌های این دوره می‌توان به عاشیق محمود، عاشیق محمدباغبان، عاشیق عزیز، عاشیق آیدین، عاشیق ملاجمعه، عاشیق احمد، عاشیق چوپان افغان، عاشیق عزیزگویچه گولی، عاشیق موسی، عاشیق میرزه خان محمدبیگ و عاشیق پری اشاره کرد.

ژانرهای شعر عاشیقی

داستان‌های عاشیقی براساس موضوع خود به دو دسته «قهرمانی و حماسی» و «داستان‌های عاشقانه» تقسیم می‌شوند. از داستان حماسی و قهرمانی می‌توان به داستان‌های «کوراوغلو»، «شاه اسماعیل و عرب زنگی»، «قاچاق نبی» و «قاچاق کرم» و غیره اشاره کرد. از داستان‌های عاشقانه نیز می‌توان از داستان‌های «اصلی و کرم»، «عباس و گولگز»، «طاهره و زهره» و «عاشیق غریب و شاه صنم» و غیره نام برد، عاشیق‌ها قسمت‌های نظم داستان را که عموماً گفتگوهای ما بین شخصیت داستان است. با توجه به وضعیت روحی، احساسی، هیجانات و اتفاقاتی که برای شخصیت‌های داستان افتاده است. در قالب و ژانرهای مختلف شعری بازگو می‌کنند، هر بیت دارای چند هجاست

که به آن «یارپاق» گفته می‌شود و از ۶ تا ۱۲ هجا را شامل می‌شود، مهم‌ترین قالب‌ها و ژانرهای شعری ادبیات عاشیقی بدین گونه است:

۱-۱- قوشما

یکی از ژانرهای مهم و رایج ادبیات شفاهی آذربایجان، قوشما است. در ادبیات‌شناسی به آن «شعر عاشقانه» یا «شعر محبت» می‌گویند. زبان این نوع شعری، ساده، روان و زلال بوده و اغلب از پیچیدگی‌های ادبی به دور است. شاعران و عاشیق‌های زیادی از ملاپناه واقف تا استاد شهریار در این نوع ادبی به خلق آثار گرانبهایی دست زده‌اند.

«قوشما معمولاً بین سه تا هفت بند دارد. هر بند آن از چهار مصرع یازده هجایی تشکیل می‌شود. در بند اول قوشما، مصرع‌های اول و سوم آزاد بوده و مصرع‌های دوم و چهارم هم‌قافیه هستند. در بندهای بعدی، سه مصرع اول هم‌قافیه و مصرع چهارم با مصرع‌های دوم و چهارم بند اول هم‌قافیه هستند.

به بیان دیگر در قوشما دو نوع قافیه (اصلی و فرعی) وجود دارد. قافیه‌های اصلی همان قافیه‌های مصراع چهارم هر بند که با مصراع‌های زوج بند اول هم‌قافیه هستند، و قافیه‌های فرعی که همان قافیه‌های مصراع‌های اول و دوم و سوم هر بند می‌باشد. تقطیع داخلی هر مصراع از قوشما ۶+۵، ۶+۵ و ۳+۴+۴ می‌تواند باشد.

تخلص شاعر در بند پایانی قوشما می‌آید که به آن مؤهوربند^۱ یا تاپشیرما^۲ هم می‌گویند. در قوشما تعداد بندها می‌تواند فرد یا زوج باشد.

روانی و سیالی وزن و موسیقی داخلی واژگان به کار رفته در نوع ادبی قوشما، سبب شده است که عاشیق‌های مؤلف، بیشتر به آن بپردازند؛ به طوری که از میان ۸۰ آهنگ اصلی موسیقی عاشیقی، ۵۱ مورد آن براساس فرم شعری قوشما اجرا می‌گردد. قوشما را می‌توان محبوب‌ترین ژانر

^۱ Möhürbend

^۲ Tapşırma

شعری عاشیق‌ها دانست، چراکه اساتید هنر عاشیقی از جمله عاشیق قربانی، عاشیق عبّاس توفارقانلی، عاشیق علّسگر و دیگران، بیشتر اشعار خود را در این ژانر آفریده‌اند. یک نمونه از این ژانر ادبی از عاشیق عالی:

شعر	ترجمه
«شهلا گوزون، سیاه قاشین جان آلی	چشم شهلا و ابروان مشکینت جان آدم را می‌گیرد
گکّنده ناکس لر دالدالا، کینچسین.	شمنان ناکس باید هنگام آمدنشان پی‌درپی بیایند
چکر حسرتینی، ائل جانا گلر	ایل و قبیله در حسرت داشتنت به تنگ آمده‌اند
نه گرک قال ائتسین، دال دالا کینچسین	قیل و قال نکنند، عفو و گذشت داشته باشند

هردن ای نازنین آرا، دان یاری	هر از گاهی محبوب و عاشقت را دریاب
آرا آشکار دِ نسه ن، آرا دان یاری	چه در ظاهر بگویی چه پنهانی، عاشقت را دریاب
آلارسا، حاق آلسین آرادان یاری،	خدا جانش را بستاند و از میان بردارد
ائل گلّسین یا سینا دال - دالا کینچسین	ایل و طایفه به عزایش پیوسته بیایند

عرض ائیلدین سن «عالی» یا، یان، آغا	به عالی گفتمی از هجر و فراق بسوز
عاشیق یانار، ندن کینچسین یان، آغا	عاشق می‌سوزد و نمی‌تواند بی‌تفاوت باشد
حساس عینی عاشقسه آل یاناغا	عاشق به رخ گلگونه یار حساس است
جانان قارشی گلّسه، دال، دالا کینچسین	اگر معشوقه جلوه نماید، پیوسته بیایند

قوشماها از منظر مضمون و موضوع نیز، به چند نوع تقسیم می‌شوند که از آن میان می‌توان به گوزللمه^۱، وجودنامه^۲، اوستادنامه^۳ و ... اشاره کرد. در گوزللمه‌ها همان‌طور که از اسمش پیداست، به زیبایی و جاهت معشوق پرداخته می‌شود.

^۱ Gözelləmə

^۲ Vücüdnamə

^۳ Ustadnamə

ترجمه	شعر
با دیدنت دست از جان شستم	سنی گوردوم، آل گوردوم دونیادان
چشم شهلا و ابروی کشیده گلندام!	آلا گوزلو، قلم قاشلی گلندام!
رخسار و رخ گلگونهات	آلما یاناغینی، آل قا باغینی
با دیدنت عقل برایم نماند گلندام!	گورن کیمی عقلیم چاشدی گلندام!
مانا باشی، دوره خوبی ساخته‌ای، این دنیا پوچ و تهی است گلندام!	ساغ اول سنی، بو دونیانین سونو یاخشی دوران قوروبسان پوچدی گلندام!
هیچ نمی‌گویی علعسکرت کجاست؟	هئچ دئمیرسن علعسکرین هاردادی؟
چرا گل‌ها به خارها تمایل دارند؟! (عبادی قاراخانلو، ۱۳۸۶: ۹۷-۹۸)	سبب ندی، گولون میلی خاردادی؟! (عبادی قاراخانلو، ۱۳۸۶: ۹۷-۹۸)

«در وجودنامه‌ها به سیر رشد جسمی و روانی انسان اغلب از سن پنج سالگی تا موقع مرگ ولی در برخی وجود نامه‌ها از قبل از تولد اشاره می‌شود. این نوع شعری ممکن است ده‌ها بند داشته باشد. برای نمونه به بند اول یک وجودنامه در داستان‌های قهرمانی کوراوغلو اشاره می‌کنیم:

ترجمه	شعر
از سه سالگی تا پنج سالگی	اوج یاشیندان بئش یاشینا واراندا
بسان گل تازه شکفته میمانی	بئنیجه آچیلان گوله بئزرسن
از پنج سالگی تا ده سالگی	بئش یاشیندان اون یاشینا واراندا
بسان شهد عسل، شیرین و دوست داشتنی هستی	آری دان ساچیلیمیش بالا بئزرسن

و استادنامه‌ها را می‌توان حکمت‌ها و نصایح بزرگان دین و ایل دانست که از زبان عاشیق و شاعر جاری می‌شود. این نوع قوشما، سراسر پند و اندرز بوده و دعوت به نیکی، راستگویی، مهربانی و ... در آن موج می‌زند، نمونه‌ای شعر عاشیق علعسکر:

ترجمه	شعر
هر که عاشق می‌شود و جلای وطن می‌کند	عاشیق اولوب ترک وطن اولانین

از ازل باید کمالات داشته باشد	ازل باشد اُ پر کمالی گر کدیر
بایدنشست و برخاست و آداب معاشرت را بداند	اوتوروب دورماقدا ادبین بیله
باید مملو از دریای علم و معرفت باشد	معرفت علمیندن دولو گر کدیر» (همان: ۹۴)

۲-۱- گرایلی^۱

یکی دیگر از ژانرهای مهم و رایج ادبیات شفاهی «گرایلی» است. مضامین اصلی گرایلی، شرح زیبایی معشوق، عشق و محبت، وصف زیبایی طبیعت، دوستی و رفاقت است. «هر بند این نوع شعری از چهار مصرع هشت هجایی تشکیل می‌شود. هر گرایلی بین ۳ تا ۵ بند دارد. تقطیع داخلی مصرع‌ها به شکل ۴-۴، ۵-۳، ۳-۵ است. سیستم کلی قافیه‌بندی در این ژانر نیز همانند قوشماست؛ بدین ترتیب که بند اول به شکل a-b-c-b و بندهای دیگر به شکل a-a-a-b قافیه‌بندی می‌شود. شاعر در بند آخر که مؤهوربند^۲ نامیده می‌شود، تخلص و نام خود را می‌آورد و به اصطلاح مهر خود را بر شعر می‌زند.

در هنر عاشیقی، گرایلی‌ها به سبب ریتمیک بودن اوزان خود، بیشتر مورد استفاده قرار گرفته و علاوه بر مضامین عاشقانه به کیفیت‌های شخصیتی انسان و مضامین فلسفی و عرفانی نیز می‌پردازند. در گرایلی‌های متاخر به مفاهیم و واقعیات سیاسی و اجتماعی نیز برمی‌خوریم. با این همه، اکثریت هنوز هم با عاشقانه گرایلی‌هایی است که عاشیق‌ها با ایفای آن‌ها با ساز و آواز به مجلس آرای می‌پردازند.

گرایلی به سبب کم حجمی و وزن سیال خود و همچنین بدایع ادبی مختلف به کار رفته در آن، قالب‌های شعری متنوعی را در خود پرورش داده و باعث ایجاد ژانرهای مختلف دیگری از جمله جناس گرایلی^۳، دوداق ده‌یمز گرایلی^۴، دیل دؤنمز گرایلی^۵، زنجیرلمه آیاق گرایلی^۶، جیغالی

^۱ Gəraylı^۲ Möhürbənd^۳ Cinas gəraylı^۴ Dodaqdəyməz gəraylı^۵ Dildönməz gəraylı^۶ Zəncirləmə Ayaq gəraylı

گرایلی^۱، ساللما گرایلی^۲، الف - لام گرایلی^۳، مروتی گرایلی^۴، ناقاراتلی گرایلی^۵ و گوزللمه گرایلی^۶ و ... شده است. نمونه‌ای از یک گرایلی گوزللمه از عاشیق علعسگر:

شعر	ترجمه
گل، ای مه‌ری - محبتیم	درآی ای مظهر مهر و محبتیم
اوزون مندن نییه دؤندو؟	چرا از من روگردانی؟
آغزی شکر، لبین قندی	دهانی چون شکر، لبی چون قند داری
اوزون مندن نیه دؤندو؟	چرا از من روی گردانی؟

آیرلیقدان اولوم یئی دی	دروقت فراق، مرگ بایسته است
حسرتین قدیمی آیدی	حسرتت قامت را خم کرد
نه دئدیم، خطرینه دهیدی	چه گفتم که خاطرش را آزردم
اوزون مندن نیه دؤندو؟	چرا از من روی گردانی؟

تشریف بویور گئدک باغا	به باغ وبوستان مشرف شوید
آت زولفونو سولا، ساغا	گیسوانت را بر شانه چپ و راست انداز
علعسگر سنه صداغا	علعسگر فدای تو باد
اوزون مندن نیه دؤندو؟» (عبادی قاراخانلو، ۱۳۸۶: ۲۵۰-۲۵۱)	چرا از من روی گردانی؟

^۱ Cıǵalı gəraylı
^۲ Sallama gəraylı
^۳ əlif-lam gəraylı
^۴ Mürvəti gəraylı
^۵ Naqaratlı gəraylı
^۶ Gözəlləmə gəraylı

شایان ذکر است که در داستان‌های اپیک (حماسی) کوراوغلو، اکثریت شعرهای قهرمانی در قالب گرایلی آفریده شده‌اند. عاشیق‌ها این گرایلی‌ها را با نوایی شورانگیز و مهیج و در آهنگ‌هایی حماسی اجرا می‌کنند. کثرت این آهنگ‌ها که در اصطلاح هاوا^۱ نامیده می‌شوند، سبب ایجاد یک سری آهنگ‌ها شده است که به آن کوراوغلو‌ها والاری^۲ می‌گویند. از جمله این هاواها می‌توان به جنگی کوراوغلو^۳، بوزوغو^۴، کوراوغلو دوبیتی^۵، طبل جنگ کوراوغلو^۶، دوشمه کوراوغلو^۷، میدان کوراوغلوسو^۸ و ... اشاره کرد.

۳-۱- تجنیس^۹

یکی از انواع مهم و دشوار شعر در ادبیات شفاهی آذربایجان تجنیس^{۱۰} است. این فرم شعری بیشتر در قالب ژانر قوشما آفریده می‌شود. قافیه‌ها در این نوع، از واژگان هم مفهوم و جناس تشکیل می‌شود. خوانش شعر در تجنیس خیلی مهم است؛ چرا که با یک مکث و ویرگول مفهوم کلمه تغییر می‌یابد. قدرت ذاتی زبان ترکی تأثیر زیادی در خلق تجنیس دارد. تجنیس یکی از ژانرهای پیچیده و دشوار شعر عاشیقی است، به این گونه شعری هم در ادبیات مکتوب و هم در ادبیات شفاهی آذربایجان بهای بیشتری داده شده است. در ادبیات عاشیق‌ها تجنیس بیشتر در قالب قوشما خلق می‌شود. در تجنیس قافیه‌ها براساس جناس مورد استفاده واقع می‌شوند.

«ژانر شعری تجنیس نیز همانند اغلب ژانرهای شعری ادب شفاهی، فرم‌های مختلفی را در درون خود پرورش داده و آثار هنری نابی خلق کرده است. از این فرم‌های شعری می‌توان به قارا

^۱ Hava
^۲ Koroğlu Havaları
^۳ Cəngi koroğlu
^۴ Bozuğu
^۵ Koroğlu dubeyti
^۶ Təbli cəngi koroğlu
^۷ Döşəmə koroğlu
^۸ Meydan koroğlusu
^۹ Təcnis
^{۱۰} Təcnis

تجنیس^۱، بیایاتی تجنیس^۲، آیاقلی تجنیس^۳، جیغالی تجنیس^۴، نفس چکمه^۵، زنجیرلمه^۶ و ... اشاره اشاره کرد که نمونه آن در شعر ابوالقاسم نباتی شاعر دوره قاجار بدین گونه است:

ترجمه	شعر
ای جانم فدای چشم ترلانت	اوترلان باخیشین قوربانی جانیم
چشمانت در انتظار کیست؟	بوی چکیب گؤزلرین گؤزلر، نه گؤزلر!
نوک مژگانت سینه ام را	آماجی سینه می نوک مژگانین
چشمانت مرا نشانه گرفته است	قویوب نیشانه یه گؤزلر، نه گؤزلر! ...
امید دارم رقیبم به کوه سینا نظر کند	گویوم رقیب باخسین سینا داغینا
چشمان پرفریب در انتظار کیست؟	یاماندر گؤزلری، گؤزلر، نه گؤزلر!
نباتی در کوه سینا سوخت و خاکستر شد	نباتی کول اولدی، یاندی سینادا
از این آتش، آتشی بر کوه سینا بیفتد	بو آلودان بیر اود دوشسون سینا داغینا» (محمدزاده صدیق، ۱۳۸۵: ۲۵۱)

مضمون اصلی تمامی تجنیس‌ها پند و اندرز است که بر اساس امثال و حکم و احادیث و آیات قرآنی خلق شده‌اند. ژانر تجنیس سرشار از آرایه‌های ادبی و صنایع لفظی است. تجنیس نمودار اوج استعداد و مهارت شاعری است؛ به طوری که عاشق‌ها در مقابله و رویارویی ادبی و هنری با همدیگر، برای به زانو درآوردن حریف اغلب به تجنیس روی می‌آورند.

این نوع شعری ملیح و پرترفدار، سبب ابداع هاوای «تجنیس» و ایجاد یک پرده با همین عنوان بر روی دسته قوپوز (ساز عاشیقی) شده است. چراکه خوانش آوازی آن به سبب وجود جناس‌های مختلف، در دیگر هاوهای یازده هجایی چندان مناسب نبوده است. علاوه بر آن به نظر

¹ Qara tæcnis

² Bayatı tæcnis

³ Ayaqlı tæcnis

⁴ Cıǧalı tæcnis

⁵ Nəfəsçəkmə

⁶ Zəncirləmə

اغلب پژوهشگران حوزه فرهنگ و ادبیات عامه، نوع شعری تجنیس پلی است بین ادبیات مکتوب و ادبیات شفاهی. تجنیس را «تاج» شعر شفاهی آذربایجان نیز دانسته‌اند.

تجنیس هم از منظر فرم و هم از دید مضمون تکمیل‌ترین نوع شعری به شمار می‌رود. هنرمندانی که به این ژانر می‌پردازند، علاوه بر تسلط کافی به قواعد شعر شفاهی، باید گنجینه واژگانی بزرگی را نیز دارا باشند.

یکی از زیباترین انواع تجنیس «جیغالی تجنیس» است که بعد از مصرع دوم هر بند یک بایاتی جناس اضافه می‌شود. جیغا اینجا به مفهوم زینت و بزک آمده است. هر جناسی که در بند اول شعر مورد استفاده قرار بگیرد، جناس بایاتی اضافه شده نیز بر همان اساس خواهد بود. علاوه بر شکل ظاهری، موضوع و مضمون بایاتی جناس نیز باید با موضوع تجنیس هماهنگ بوده و تاییدی بر مضمون شعر اصلی (تجنیس) باشد.

انواع مرکب و مختلفی از جیغالی تجنیس با عناوین دوداق‌ده‌یمز جیغالی تجنیس، کؤلگه‌لی و یا کؤلگه سیز جیغالی تجنیس، نقطه‌لی و یا نقطه‌سیز جیغالی تجنیس نیز به تعداد اندکی موجود است.

قوربانی، عباس توفارقانلی، خسته قاسیم، عاشیق آلی، حسین شمکیرلی، عاشیق علعسگر، ملاجمعه، عاشیق حسین بوزالقانلی، میکاییل آزافلی نمونه‌های کلاسیک ژانر تجنیس را آفریده‌اند. با این حال بزرگترین هنرمند تاریخ تجنیس، خسته قاسیم تیکمه داشلی است. او آثار بی‌بدیلی در این ژانر شعری آفریده است، به طوری که بعد از او هیچ شاعری نتوانسته است از زیر سایه بلندش بیرون بماند:

ترجمه	شعر
شيفته زيبايي و جمال يك دلبرم	بير گوزلين جمالينا ماييلام
ديرزمانی است که از من دوری می‌کند	نه مدت دیر، گوزل مندن یاینور
فدای خال رخسار او هستم	من قوربانام آغ اوزونده او خالا
زنخدانش آتشگهی است	زنخدانین شعله‌گاهی یایی نور
دل بیمارم مونس درد و غم است	خسته کونلوم باربسهلہ میش هم دردی

دردِ دل را نمی‌توان به شخص بی‌درد گفت	درد بیلّمزه دئمک اولمازهم دردی
گرجوانمرد همدم خوبی داشته باشد	بیرایگیدین یاخشی اولسا همدردی
زمستان و بهار و تابستانش نور است	قیش نوردور، یاز نوردور، یایی نور
خسته قاسیم این ترانه را می‌آفریند	خسته قاسیم بولزگی نی یارآتار
یار باوفا در سختی‌ها تو را از یاد نمی‌برد	چتین گونده چتین سنی یارآتار
اگر نظری هم نکند تیرمژگانش رازها می‌کند	اوزچئورسه مژگان اوخون یارآتار
دست و تیر و کمان او هم از نور است	آلی نوردوراوخونوردوریایی نور (سیامی، ۱۳۸۰: ۱۵۲)

۴-۱- دیوانی^۱

یکی دیگر از ژانرهای مهم شعر شفاهی دیوانی است که عاشیق‌ها در اوّل مجلس با ساز و آواز و دکلمه آن را می‌خوانند. دیوانی‌ها اشعاری با مضامین فلسفی، دینی و عرفانی هستند. اساتید عاشیقی از جمله دیریلی قوربانی، خسته قاسیم، ملاجمعه، عاشیق علعسگر و دیگران اشعار نابی را در این ژانر آفریده‌اند.

دیوانی‌ها چهارپاره‌هایی پانزده هجایی هستند. بین سه تا یازده بند دارند. تعداد بندها معمولاً فرد است. قافیه‌بندی در دیوانی‌ها نیز همانند قوشماست. به سبب نفس‌گیر بودن خوانش پانزده هجا، عاشیق‌ها در خوانش دیوانی، هر مصرع آن را به دو بخش هشت و هفت هجایی تقسیم می‌کنند. بدین ترتیب هر بند چهار مصرعی، در عمل به شکل هشت مصرع درمی‌آید. به عبارت دیگر مصرع‌های اول، سوم، پنجم و هفتم، هشت هجایی و باقی هفت هجایی خوانده می‌شوند. تقطیع مصرع‌ها به این شکل است: ۳+۴+۴+۴

دیوانی‌ها سبب آفرینش دو آهنگ (هاوا) به نام‌های باش دیوانی^۲ و آیاق دیوانی^۳ در موسیقی عاشیقی شده‌اند و این هاواها نیز خود سبب ایجاد دو پرده بر روی قوپوز شده‌اند. هاواهای

^۱ Divani

^۲ Baş divani

^۳ Ayaq divani

نواخته شده با این پرده‌ها، حال و هوای شعر دیوانی را منعکس می‌نماید. دیوانی‌های عاشقانه، لیریک و با تم غم‌آلود در باش پرده^۱ و دیوانی‌های با مضامین مبارزه، جنگاوری و پیروزی در پرده آفاق دیوانی نواخته و خوانده می‌شود.

عاشیق‌ها از ژانر دیوانی در راستای برانگیختن حس مبارزه و حق‌خواهی در اشعارشان بهره می‌گیرند. دیوانی در ادبیات عاشیق‌ها به «دروازه حق»، «مسلك عاشیق»، «ادب و ارکان عاشیق» و ... شهرت دارد. از این‌رو اغلب مجالس عاشیقی با خوانش ساز و آوازی یک دیوانی توسط عاشیق ارشد شروع می‌شود. (قاسیملی و آلاهمانلی، ۲۰۱۸: ۹۲)

اولین نمونه‌ای که از فرم دیوانی برجا مانده، شعری با ردیف «اولا» مربوط به عاشیق قوربانی است که در رثای شاه اسماعیل اول سروده شده است:

ترجمه	شعر
روزگارا، باتو مصاف چنین می‌طلبد	فلک، سنله اُلشمه‌یه بیر بئله میدان اولا
فرصت داری با مهربانی دستم را بگیر	توت اَلیمی، فرصت سنین، لطف ایله احسان اولا
برای علاج دردم در پی مرشدم بودم	گنتمیشیدیم مرشدیمه، دردیمه درمان اولا
چه میدانستم، تا رسیدنم خاک می‌شود	نه بیلندیم، من گلینجه خاک ایله یکسان اولا ...
گرگلی را نتوانستی بچینی پَر پَر نکن	بیرگولوکی دَرتمه سن، دَریب خندان ائيله مه
گردلی را پیوند ندادی آنرا خراب نکن	بیرکونولوتیکنمه سن، بیخیب ویران ائيله مه
ندایی از خدا آمد که قربانی غم مخور	حاق تعالادان نیداگلدی، قربانی غم ائيله مه
سرنوشتم مایه عبرت دیگران شد	یازی یازان بئله یازیب، چوخلارانیشان اولا (ادریسی، ۱۳۶۷: ۶۳)

^۱ Baş pərdə

دیوانی‌ها نیز بنابه فرم و شکل خود به انواع مختلفی همچون جیغالی دیوانی^۱، قیفیل‌بند دیوانی^۲، مرثیه دیوانی^۳، فخریه دیوانی^۴، زنجیرلمه دیوانی^۵ و ... تقسیم می‌شوند. هر کدام از این فرم‌های شعری ویژگی‌های خاص خود را دارند.

۵-۱- مخمس^۶

یکی دیگر از ژانرهای شعر عاشقانه شفاهی آذربایجان مخمسات است. مخمس از ریشه عربی خَمَس - خُمَس به معنای بشلیک^۷ یا «پنجگانه» گرفته شده است. مخمس‌ها اغلب مضامینی عاشقانه و گاهاً قهرمانی دارند.

این نوع شعری توسط «کشوری» از قرون میانی رونق یافته و بعدها در دواوین شعری مانند روشنی، خلیلی، هدایت، سروری برای خود جایگاهی پیدا کرده است. مخمس در قرون بعدی توسط شاعران بزرگی همچون خُلُقِی، فضولی، مسیحی، یوسف بیگ اوستاجلو، حیدری، غریبی، قوسی تبریزی، مرتضی قلی خان ظفر، کسبی، رونقی، ملاپناه واقف و دیگران به شدت استقبال شده و آثار مانایی آفریده می‌شود.

مخمس همان‌طور که در ادبیات مکتوب آذربایجان جایگاه خاص خود را داشته و با آفرینش ادبی شاعران بزرگی چون شاه اسماعیل (ختایی)، فضولی، ودادی، واقف و دیگران به نقطه اوج خود رسیده است، توسط اساتید عاشیقی همچون خسته قاسیم، عاشیق واله، آغ عاشیق، عاشیق آلی، ملاجمعه، عاشیق علعسگر و دیگران با حلاوت و ملاحظت تمام به کار گرفته شده است.

قالب مخمس بدین ترتیب است که هر بند از پنج مصرع شانزده هجایی تشکیل می‌شود. هر مخمس ۳، ۵، ۷، ۹، ۱۱ و گاه ۱۳ بند است. وزن مخمس‌ها عروضی بوده و به جهت طولانی و نفس‌گیر بودن مصرع‌ها در خوانش با ساز و آواز، عاشیق‌ها هر مصرع را به شکل زیر به دو بخش تقسیم می‌کنند:

^۱ Cığalı divani

^۲ Qıfıl bənd divani

^۳ Mərsiyə divani

^۴ Fəxriyə divani

^۵ Zəncirləmə divani

^۶ Muxəmməs

^۷ Beşlik

$$۴+۴ = ۸ ; ۵+۳ = ۸$$

و یا:

$$۳+۵ = ۸ ; ۵+۳ = ۸$$

تقسیم هر مصرع به دو بخش توسط عاشیق‌ها، علاوه بر سیالی و روانی شعر، موسیقی شعر را نیز سرعت بخشیده و سبب تندی تم هاواها هم می‌شود و شوخی و شادی خاصی به آهنگ می‌دهد.

شعر مخمس در هنر عاشیقی متفاوت‌تر از ادبیات مکتوب، متناسب و هماهنگ با هاواهای موسیقی عاشیقی مانند باش مخمس^۱، اورتا مخمس^۲، آتلی مخمس^۳، بحر طویل^۴، شیروان مخمس^۵ مخمس^۶ و غیره تلفیق می‌شود. یعنی شعر با موسیقی یک کل واحد را تشکیل داده و یک ریتم هارمونیک را به نمایش می‌گذارد.

عاشیق‌ها بنا به عادت و برای حسن ختام برنامه، در پایان مجالس دست‌ان‌خوانی یا مراسم عروسی، مخمس با تم گوزللمه می‌خوانند که در اصطلاح به آن دوواق‌قاپما^۷ می‌گویند.

عاشیق‌های استاد با ترکیب مخمس و دیگر ژانرهای شعر شفاهی، فرم‌های بدیعی نیز آفریده‌اند که از آن میان می‌توان به جیغالی مخمس^۸، جیغالی قوشایارپاق مخمس^۹، گوزللمه مخمس^۹ و غیره اشاره کرد. هر کدام از این فرم‌های جدید، ویژگی‌های شکلی خاص خود را دارند دارند و عاشیق‌ها در هاواهای مخصوص که همنام همان نوع شعری هستند با ساز و آواز از آنها بهره می‌گیرند.

«به عنوان نمونه در «جیغالی مخمس» بین مصرع چهارم و پنجم، نُه مصرع پنج‌هجایی به شیوه زنجیرلمه اضافه می‌شود. از آنجایی که مخمس با این نه مصرع به نوعی تزئین شده و زینت

¹ Baş mǔxəmməs

² Orta mǔxəmməs

³ Atlı mǔxəmməs

⁴ Bəhri təvil

⁵ Şirvan mǔxəmməsi

⁶ Duvaqqapma

⁷ Cığalı mǔxəmməs

⁸ Cığalı Qoşayarpaq mǔxəmməs

⁹ Gözəlləmə mǔxəmməs

داده می‌شود به آن «جیغالی مخمس» می‌گویند. یکی از رایج‌ترین نمونه‌های این نوع شعری، مربوط به «عاشیق حسین جوان» عاشیق دوره قاجار با عنوان قاراگوز^۱ است:

ترجمه	شعر
چشمانت قصد جانم را کرده سیه چشم!	گوزلرین حؤکم ائيله بیر، قتلیمه فرمان، قاراگوز!
جانم رافدای چشمانت نهاده‌ام سیه چشم!	گوزلرینه جان صداغا، دئمیشم قوربان، قاراگوز!
خسته و محترم، درمانم کن سیه چشم!	خسته یه، جان وئریرم، سن یتیر درمان، قاراگوز!
روحي دربدن ندارم پیکری جانم مانده، دریاب! سیه چشم!	جانیم گندیب، جسد قالب بیلگینه، اینان، قاراگوز!
ای چشم شهلا لبه‌ایت بسان جام است چهره زیبایت گلگون رخسارت بسان گل روزم به درازای سالی است دلبرم شیرین زبان است زبانم گویاست وجودم پراز آتش است دوستان باهم در آشتی‌اند از دردوستی در آی، ای سرو خرامان سیه چشم!	گوزلری آلا، لبّر پیالا، یاناغی لالا یاناغی گول دو، گونوم بیر ایلدی، یار شیرین دیل دی ... دیلیم دانی شیر، جیسمیم آلی شیر، دوستلار باریشیر گلگینن بیز باریشاق، سروی خورامان، قاراگوز! ... (شکری کلان، ۱۳۹۱: ۲۷۶)

^۱ Qaragöz

۶-۱- دیشمه

دیشمه یا مناظره از جالب‌ترین و مرسوم‌ترین نوع شعر ادبیات عاشیق است، عاشیق‌ها هنگام مناظره (دیشمه) از انواع فرم‌های شعری چون: باغلاما، قیفیل بند، اوستادنامه، حربه و زور با بایکدیگر به مناظره می‌پردازند، در این نوع مناظره برخی عاشیق‌ها شرط می‌کنند اگر عاشیق مقابل نتواند جواب سؤال‌های او را بدهد، ساز خود را تحویل دهد و یا حتی از پیشه خود دست بردارد. در این نوع شعر انواع مصنوعات و تکلفات شعری دیده می‌شود، در این میان کسی غالب می‌شود که بتواند بالبداهه شعر بسراید و به دانش دینی، ادبی تاریخی، اساطیری و علمی تسلط داشته باشد. مناظره‌های مشهوری در تاریخ ادبیات عاشیقی وجود دارد که گواه بر این مورد است. نظیر دیشمه شاه اسماعیل با عرب زنگی، خسته قاسیم با لزگی احمد، واله و زرنگار.

نمونه‌ای «دیشمه» از عاشیق اقبال و عاشیق علی:

سؤال (سورغو) عاشیق اقبال:

ترجمه	شعر
چیست که درسی روزه اش جوان است	اونه دیر کی اوتوزوندا جواندیر
ولی در پانزده روزه اش پیر و بزرگ	اون بشینده قوجالاردان اولودور
چیست آنکه زبانی جدا ولی کلامش یکیست	اونه دیر کی دیلی آیری، سوزو بیر
کدام دریاست که ازهر دریایی پر آب است	هانسی دریا هر دریا دان دولو دور (صدیقی، ۱۳۷۶: ۳۶-۳۷)

عاشیق علی:

ماه است که در سی روزگی اش جوان است	او آیدیر کی، اوتوزوندا جوان دیر
درپانزده سالگی اش پیر و بزرگ است	اون بشینده قوجالانی اولودور
قلم است که زبانی جدا و حرفش یکی است	اوقلم دیر، دیلی آیری، سوزو بیر
(دریای علم زهر دریایی پر آب است	علم دریاسی، هر دریادان دولودور (همان)

۱-۷- استادنامه

عاشیق‌ها در شعر استادنامه، اشعار خود را بر پایهٔ پند و نصیحت و اندرز دادن، احترام به خانواده و تشویق به نیکی و کمال و فضایل انسانی با ساز و آواز به شنوندگان عرضه می‌دارند و موضوعات اجتماعی و فلسفی را بیان می‌کنند و اغلب عاشیق‌ها در هنگام شروع به شعر سرایی و آواز خوانی، کلام خود را با استادنامه شروع می‌کنند و از اساطیر و میتولوژی در اشعار خود استفاده می‌نمایند و از آفرینش کاینات و چگونگی خلقت انسان، اسطوره‌های سلیمان و اسکندرنامه که شامل پند و حکمت است در اشعار خود به کار می‌برند، در حقیقت عاشیق‌ها، منادی آرمان‌ها و خواستگاه‌های ارزشمند بشری هستند و با ذائقهٔ هنری خود قصه‌های قرآنی را در بوتۀ نظم می‌کشند و شرح حال امامان معصوم^(ع) و حماسه‌ها و جنگ‌ها و پیروزی‌های آن را به تصویر می‌کشند.

مثال از شعر استادنامه از عاشیق کریم:

ترجمه	شعر
همین که وارد محفلی می‌شوی	«سلام و تریب بیرمجلسه واراندا
باید بهترین معاشرت را داشته باشی	یاخشی آگلش، یاخشی اوتور، یاخشی دور
در هنگام مرادده، سخت را شمرده بگو	دیندیرنده کلمه کلمه جواب وئر
از دیدگاه مردم بهترین باشی	گورن دئسین بارک الله، یاخشی دیر (ادریسی، ۱۳۶۷: ۱۳۷)

نمونه‌ای دیگر از خسته قاسیم:

ترجمه	متن
ای دل سرگشته، امانتی به دارم	دلی کونول مندَن سَنه امانت
مرگ باعزت نکوتر از زندگی باذلت است	پیس حیاتدان یاخشی اولوم یاخشی دیر
روزی رسد که خویشان و برادرت هم بیگانه می‌شوند	بیرگون اولار قوهوم قارداش یاداولار
از خویشانت نگو که نیکوترین‌اند	دئمه اولوسویوم وار، ائلیم یاخشی دیر (همان: ۱۵۵)

۱-۸- منظومه‌ها

شعر منظومه در ادبیات شفاهی آذربایجان، در حقیقت داستان‌های عامیانه‌ای هستند که دارای حجم بیشتر و در اجتماع گسترش فراوانی یافته است. در کهن‌ترین آثار مکتوب آذربایجان، به آن «بوی» و در دوره اسلامی عنوان «حکایت»، «قصه» و «ناغیل» را به خود اختصاص داده است، در این نوع داستان‌ها عاشیق‌ها بخش‌های نظم آن را به صورت شعر همراه با نواختن ساز با صدای دلنشین می‌خواندند و قسمت‌های نثر آن را به صورت روایت نقلی می‌کردند، عاشیق‌ها با توجه به مضمون شعر و با الهام از متن و حال و هوای داستان قالب‌های شعری را با فرم و ساختار آهنگی خاص با آوازی خوش می‌خواندند، به طور مثال در داستان «کوراوغلو» که یک داستان حماسی و رزمی است، از قالب‌های حماسی مثل «دوییتی»، «مُحترمی»، «مصری»، «حَلَبی» و ... استفاده می‌کردند و در داستان‌های بزمی و عاشقانه از فرم‌های «گوزللمه» و ... در شادی‌ها و عروسی‌ها استفاده می‌کردند.

«منظومه‌های غنایی و عاشقانه پربرترین بخش فولکلور شعر عاشیقی را تشکیل می‌دهند، که در آن قهرمان داستان با پیام و الهام از اولیای الهی دلباخته هم می‌شوند و تا زمان وصال با وفاداری و دلبستگی و صداقت مراحل وصال را با هم می‌پیمایند. فولکلور شناس معروف، پروفسور محمدحسین تهماسب منظومه‌های غنایی را به چهار بخش ذیل تقسیم می‌کند:

۱- زاده شدن و پرورش اولیه قهرمانان

۲- دلدادگی و آغاز ماجرا

۳- موانع سر راه وصال و آغاز مبارزه

۴- انجام و اوج غم‌انگیز یا شادی آفرین منظومه».

(محمدزاده صدیق، ۱۳۸۸: ۴۱)

هر یک از منظومه‌ها، متناسب با زمان و با توجه به اوضاع زندگی اجتماعی و معیشتی مردم شکل می‌گیرد و متناسب با آن‌ها نیز به پایان می‌رسد، در این منظومه‌ها آمل و آرزوها و اندیشه‌های مردم بیان می‌شود و در هنگام سختی‌ها و مصایب روزگار با مردم همدل و هم‌کلام می‌شود و

حتی نام قهرمانان داستان نیز با آن‌ها تغییر می‌کند، مثلاً در داستان «اصلی و گرم» محمد می‌شود گرم و در داستان «عاشیق غریب و شاه صنم» نام رسول به غریب تغییر می‌یابد.

۹-۱- قیامت احوالاتی (احوالات روز قیامت)

عاشیق‌ها اشعار خود را در مورد احوالات و مسائل روز قیامت و محشر که بدکاران را به کیفر و نیکوکاران را به پاداش بشارت می‌دهد و باسوز و گدازی دلنشین می‌خوانند و با کنایه و استعاره مردم را از آتش دوزخ می‌ترسانند، با زبان شعر آنان را به فرایض دینی و پرهیز از هر گونه گناه و اعمال زشت دعوت می‌کنند.

یک نمونه از اشعار عاشیق قشَم در این مورد:

ترجمه	شعر
بنده گنهکار را در آتش می‌سوزانند	گناهکار بنده‌نی یاندیر اجاقلار
خداوند پشتیبان مؤمن است	مؤمنه دیاقدیر حی روزگار
ذوالفقار در شأن لافتی آمده است	لافتی شانینده گلدی ذوالفقار
علی را بر همه شایسته دیده است	علی نین هامیدان و جیه گوروبدور (ادریسی، ۱۳۶۷: ۱۶۵)

۱۰-۱- تصنیف (tasnif)

شعر تصنیف بسیار ساده، روشن و زیبا و شیرین است، از نظر هجایی هر بند آن از چهار مصرع پنج هجائی تشکیل یافته است.
نمونه از شعر تصنیف از عاشیق ملاجمعه:

ترجمه	شعر
می‌گیرم و می‌خندم	آغلاب گولم
اشک‌هایت را پاک می‌کنم	گوز یاشین سیلم
فدایت می‌شوم	قوربان کسیللم

سن بیزه گلسن	اگر به خانه ما آیی
(همان: ۱۲۶)	

۱-۱۱- معراج نامه

عاشیق‌ها در این شعر از معراج پیامبر^(ص) سخن می‌گویند و در شرح حال معراج حضرت محمد^(ص) ماجرای معراج را بازگو می‌کنند. یک نمونه از معراج نامه از عاشیق مناف:

شعر	ترجمه
آمر اولدی جبرئیل وئردی ندانی	خدا امر کرد به جبرئیل و او هم ندا داد
بسم الله ذکری ایله اولوندو خطاب	با ذکر بسم الله خطاب واقع شد
قرائت اولوندی رسول آلاها	بر فرستاده و رسول خدا قرائت شد
معبود گوروشونه ائيله دی شتاب (محمدزاده صدیق، ۱۳۸۸: ۱۷۳)	به دیدار معبود شتافت

۱-۱۲- طنز در شعر عاشیقی

«طنز یک اصطلاح ادبی و اجتماعی است. در این نوع شعر ادبی اغلب با مزاح، لطیفه، شوخی، فکاهی، هزل و هجو و جز آن اشتباه می‌شود. در این نوع شعر طنز عاشیقی، کم‌دی و درام درهم آمیخته می‌شود، در بعضی مواقع خنده با قهر زمانه درهم می‌آمیزد و شنونده را وادار به تفکر می‌کند. در مواقعی که ظلم و فساد در جامعه بیشتر شود به همان اندازه ادبیات طنز رشد بیشتری خواهد داشت و به تکامل خواهد رسید، شاعر و سراینده زمانی از این نوع شعر بهره می‌جوید که شنونده و خواننده را به تفکر می‌خوانند تا از وجود حقیقتی تلخ آگاه سازد.» (همان: ۴۶)

پیدایش طنز با تکامل در زندگی جامعه بشری ارتباطی تنگاتنگی دارد، معمولاً مضامین طنز در ادبیات شفاهی نظیر ضرب‌المثل، داستان‌ها، افسانه‌ها، ترانه‌ها بیشتر به چشم می‌خورد.

«پژوهشگران ادبیات شناس آذربایجان، در مقوله ادبیات طنز در فولکلور آذربایجان انواع زیر را معرفی می‌کند:

- ۱- آتالار سوزی (سخنان نیاکان و بزرگان)
- ۲- آتماجالار (کنایه‌ها)
- ۳- لطیفه‌لر (لطایف)
- ۴- ناغیللار (قصه و داستان‌ها)
- ۵- بایاتیلار (دو بیتی‌ها)
- ۶- حربه و زوربا (مبارزه طلبی)
- ۷- میخانه‌لر (سخنان میخانه‌ای)
- ۸- تازیانه‌لر (کلام نیشدار)
- ۹- یاهاالتماجالا (چرب زبانی)
- ۱۰- قارا وللیلر (چرندیات)
- ۱۱- تمثیللر (ضرب‌المثل‌ها)» (همان: ۴۷-۴۸)

در کنار همه این مباحث مجموعه‌ای عظیم در «ادبیات طنز عاشیقی» قرار دارد که نخستین نمونه آن در منظومه‌های حماسی دوازدهگانه «دده قورقود» به چشم می‌خورد، نخستین قطعه موزیکال طنزی، قطعه‌ای است که پس از حمد خدا، نعت رسول اکرم و ذکر مفاهیمی از قرآن مجید در باره عزت، احترام و عظمت مادر، مهر و محبت مادری در باب زن‌ها با مناسبتی مثبت به عنصر زن مؤمن سروده است و آن چنین است:

ترجمه	شعر
زن‌ها چهار گونه‌اند	قادینلار دورد دورلودور
یکی نسل تو را نابود می‌کند	بیریسی سولدورن سويدور
یکی ستون خانه است	بیریسی ائوین دایاغیدیر
یکی از هر چه بگویی به درد نخور است	بیریسی نئجه سویلر سن بایاغیدیر (همان)

نتیجه‌گیری

شعر شفاهی آذربایجان در جریان تکامل و سیر تاریخی خود از انواع شعر با توجه وقایع تاریخی و اوضاع اجتماعی خود از انواع شعرها استفاده می‌نمودند و به طور معمول انواع شعر قوشما، گرایلی، تجنیس، منظومه، دیشمه، مخمس، دیوانی، استادنامه، قیامت احوالاتی را به کار برده‌اند، ممکن است امروز در حفظ فرم سنتی خود، ویژگی‌های ظاهری راوی (عاشیق) و اجرا دچار دگرگونی‌ها و نیز مشکلات متعددی شده باشد. این مقاله نشان می‌دهد:

- ۱ - در شعر قوشما موسیقی داخلی واژگان سبب گرایش عاشیق‌ها به این ژانر شعری شده است. این نوع شعر به استعداد فراوان و داشتن دایره وسیع واژگان نیازمند است.
- ۲ - گرایلی علاوه بر محبوبیت اجتماعی بر مفاهیم و مضامین سیاسی، فلسفی عرفانی نیز ورود پیدا کرده است و ریتمیک بودن اوزان، حساسیت در برابر نیش‌های گزنده ادبی را تعدیل کرده است.
- ۳ - ژانر تجنیس، پل ارتباطی ادبیات شفاهی و مکتوب محسوب می‌شود تاج شعرشفاهی آذربایجان نامیده شده است.
- ۴ - ژانر عاشیقی در دوره قاجار به جهت ظلم و ستم روسی، جنبه تظلم خواهی به خود گرفته است و قاجاق نبی نماد این هنر عاشیقی این دیار به شمار می‌آید.

فهرست منابع و مآخذ

- 1- Qasimli, Maharram va Mahmud Allahmanli (2018) Ashiq sheirinin poetik Bichimlari chshdlar, Baki: Elm va Tahsil.
- 2- Mammado, Tariyel (2011) Azarbaycan Ashiq Yaradiciligi, Baki : Apostrof .
- 3- Rubin, David C. (1995) Sozlu Geleneklerde Bellek: destan , Balladdlar ve Sayma Tekerlemelerin Bilissel Psikolojisi , New York: Oxford University Press.
- ۴- ادریسی، حبیب، (۱۳۶۷)، *آذربایجان عاشیق‌لاری و ائل شاعری*، تبریز: ارک، چاپ اول.
- ۵- سفیدگر شهانقی، حمید، (۱۳۸۲)، *نگاهی به ادبیات عاشیق‌های آذربایجان*، فصلنامه، گوهران، سال اول، شماره اول.
- ۶- سیامی، حسین، (۱۳۸۰)، *خسته قاسیم*، تبریز: یاران، چاپ دوم.
- ۷- شکری کلان، محسن، (۱۳۹۱)، *عاشیق حسین جاوان باهار سوراغیندا*، تبریز: اختر، چاپ دوم.
- ۸- صدیقی، امین، (۱۳۷۶)، *صدای ساز تو ابری شد و به گریه نشست*، فصلنامه شعر، سال ۴، شماره ۲۱.
- ۹- عبادی قاراخانلو، محمد، (۱۳۸۶)، *عاشیق علمسکر (شعرلر)*، چاپ اول، تبریز: هاشمی سودمند.
- ۱۰- کارنوی، دومینیک و منیره اکبرپوران، (۱۳۹۵)، *خوانش بینامتنی داستان عاشیقی اصلی و کرم: تغییر و تطوّر نقش قهرمان در یک سنت ادبی*، مطالعات تاریخ فرهنگی؛ پژوهش نامه انجمن ایرانی تاریخ سال هفتم، شماره ۲۷، بهار.
- ۱۱- محمدزاده صدیق، حسین، (۱۳۸۸)، *قوپوز نوازان دل سوخته آذربایجان*، به اهتمام ناصر بهنژاد، تهران: تکدرخت، چاپ دوم.
- ۱۲- _____، (۱۳۸۶)، *هفت مقاله پیرامون فولکلور و ادبیات مردم آذربایجان*، تهران: دنیای دانش.
- ۱۳- _____، (۱۳۸۵)، *دیوان اشعار حکیم ابوالقاسم نباتی*، چاپ اول، تبریز: هاشمی سودمند.
- ۱۴- ویشلیقی، جمیل، (۱۳۸۶)، *بررسی انواع شکل (فرم) اشعار عاشیق‌های آذربایجان*، فصلنامه فرهنگ مردم ایران، تهران، شماره ۱۰.